

ملکه در تنگه



اینکه سرنگونی پهباد آمریکایی و توقیف نفتکش های انگلیسی را صرفاً یک اقدام نظامی تصور کنیم بدون شک اجحاف بزرگی کرده ایم در مورد این پاسداری ها. هر چند که چنین کنش ها و واکنش هایی به ظاهر اقداماتی نظامی هستند اما آنچه که باید در موردش بیشتر مذاقه کنیم لایه های باطنی و اساسی این اقدامات است که پرداختن به تمامی ابعاد، از حوصله چنین نوشته ای خارج است لذا در این نوشته به اختصار، مهم ترین بُعد آن را بررسی می کنیم. بلاشک مهم ترین ضرورتی که در این مقطع زمانی، ارکان مومن انقلاب اسلامی را به چنین اقداماتی وا داشته است تأمین امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی است چرا که اساساً «جنگ واقعی جنگ اقتصادی است» و صدا البته اینکه اگر بنا بر قدرت نمایی نظامی صرف بود، چندین سال است آمریکا و اسرائیل و انگلیس مزه ضرب شست های سنگین تری را در کارزارهای جدی تر از جمله جنگ ۳۳ روزه لبنان، نبرد داعش، مقاومت یمن و... چشیده اند پس بدیهی است ضرورتی بالاتر برای چنین اقدامات منسجمی

وجود دارد. چنین اقداماتی باید در مختصات یک جنگ اقتصادی تمام عیار تحلیل شود. یکی از راهبردهای هر جنگ هوشمندانه ای «امنیت برای همه، ناامنی برای همه» می باشد؛ به گونه ای که اگر امکانات تأمین کامل امنیت خود را نداشته باشی، راهکار بعدی بر هم زدن امنیت دشمن خواهد بود. پیام مهمی که در روزهای اخیر از جانب جمهوری اسلامی صادر شد همین بود که اگر بنا باشد ایران در فروش و مبادلات نفتی و اقتصادی خود با مشکل مواجه شود، دشمنان ایران نیز در مراوده های اقتصادی خود آب خنک از گلوی شان پایین نخواهد رفت و اگر بناست نفت کش ایرانی در جبل الطارق توقیف شود، بشکه های نفت بریتانیایی هم از تنگ ترین روزهای تنگه ی هرمز رد نخواهند شد و اگر قرار بر بلوکه شدن سرمایه های ایرانی است؛ میلیاردها دلار آمریکایی ها هم، در هیکل پهباد پرپر خواهد شد و صد البته که این قصه سر دراز خواهد داشت. برکت اصلی پاسداری های اخیر، اثبات تجربی «جنگ نمی شود» هست برای آن هایی که نمی پذیرند تا نبینند! آن ها و همه دیدند که

«جنگ نمی شود» یعنی چه! اثبات تجربی چنین فرمایش نافذی بیشتر از آنکه برای ایران امنیت نظامی داشته باشد امنیت اقتصادی را به ثمر می آورد و حصول یقین از چنین امنیتی، قطعاً سرمایه گذاران اقتصادی داخلی و خارجی را مجاب خواهد کرد که ایران برای سرمایه های آن ها جای امنی خواهد بود در حالی که روز به روز عربستان و امارات و شیخ نشینان هم پیمانش ناامن تر می شوند. کوتاه سخن اینکه در شرایط نه مشابه، بلکه بسیار پایین تر از این تنش ها؛ ایرانی ها عادت داشته اند که دلار سر به فلک بکشد و قیمت خودرو و ... افزایش یابد و حباب هایی در بازار بوجود آید و لحظه به لحظه بزرگ تر شود اما همگان شاهد بودند که ارزش دلار و... نه تنها بیشتر نشد بلکه افت فاحشی نیز پیدا کرد. این یعنی ورق در جنگ اقتصادی هم برگشته است و دوران بزن و در روی اقتصادی هم تمام شده است و این تازه ابتدای مسیر افول قدرت غرب است. در سرآشویی چنین افولی، به چاک زدن شیوخ بزدل عربی هم دیدن دارد.



حاشیه در متن



در عصر ظهور ۳



#رنج_دوران

#رنج_دوران

فتنه ۷۸



صحنه ای که حضور آنان لازم است ، دشمنان زیون را سرکوب و منکوب سازند))

در روز ۲۳ تیر ماه آشوب گران مجددا سعی در ایجاد ناامنی داشتند اما این دفعه با اقیانوسی از ملت بیدار ایران روبه رو شدند. حماسه میلیونی ۲۳ تیر ماه بار دیگر خط بطلانی بود بر نقشه هایی که اساس جمهوری اسلامی را هدف رفته بودند، و باز هم مردم فهیم ، شجاع و با بصیرت ایران عزیز برای پاسداری از آرمان های انقلاب اسلامی تحت فرماندهی رهبری فرزانه به پا خاستند و امید آشوبگران و حامیان داخلی و خارجی آنها را به نا امیدی تبدیل کردند. سرانجام گردانندگان صحنه آشوب های خیابانی و همچنین مقصرین حادثه کوی دانشگاه همگی محاکمه شدند تا حقایق غائله ۱۸ تیر بر همگان مشخص شود. بررسی وقایع ۱۸ تیر ۷۸ حاوی نکات فراوان به ویژه برای دانشجویان و تشکل های دانشجویی است. دانشجویانی که نسبت به حادثه کوی دانشگاه معترض بودند ولی تحت تاثیر جریان سازی رسانه ها تبدیل به پیاده نظام جریانات سیاسی مخالف نظام شدند. این حوادث نشان داد که ضروری است دانشجویان در تحلیل ها و کنش های سیاسی و اجتماعی پیرامون خود از احساسات ، عصبانیت و لجاجت پرهیز نمایند و با کسب آگاهی های تاریخی و دینی و با در نظر گرفتن نقشه های دشمنان انقلاب ، در صحنه سیاسی و اجتماعی حضوری فعال و قانونی داشته باشند تا منجر به آگاهی جامعه نسبت به حقایق گردد.

عموم مردم و دانشجویان را تحریک نمایند و توانستند در روزهای ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ اقدام به راهپیمایی و تجمع با چاشنی خشونت نمایند که به دنبال آنها خسارات زیادی به اموال عمومی از قبیل بانک و سینما و مغازه ... وارد گردید و رفته رفته ماجرایی از یک اعتراض به اصطلاح دانشجویی در حال تبدیل به حرکتی بود که اساس حاکمیت نظام جمهوری اسلامی را نفی می کرد به گونه ای که اسباب امیدواری و پایکوبی اپوزیسیون خارج نشین و دشمنان ایران اسلامی فراهم گردید. بیانات رهبر انقلاب در مورد این حوادث در ۲۲ تیر این گونه است ((ملت رشید و غیور ایران ، مردم عزیز تهران . در دو روز گذشته که جمعی از اشرار با کمک و همراهی برخی از گروهک های سیاسی ورشکسته و با تشویق و پشتیبانی دشمنان خارجی در سطح تهران ، به فساد و تخریب اموال و ارباب و عریده جویی پرداخته و موجب سلب امنیت و آسایش مردم شده اند، دشمنان زیون و حقیر اسلام و انقلاب گمان کرده اند انقلاب و مردم مؤمن و انقلابی به آنان اجازه خواهند داد که با فتنه انگیزی خود راه سلطه آمریکای جنایتکار را بر میهن عزیز ما هموار کنند. گروهک های وابسته و معاند، طبق تحلیل اربابان و معلمان خود، گمان کرده اند مردم ایران از اسلام و انقلاب دست برداشته اند و به خیال باطل خود می خواهند از انقلاب اسلامی انتقام بگیرند ولی غافل از اینکه ملت مؤمن و شجاع و هوشیار به آنان و اربابان و پشتیبانان آنان اجازه ادامه شرارت را نخواهند داد و نظام مقتدر اسلامی ، آنان را بشدت منکوب خواهد کرد... فرزندان بسیجی ام باید آمادگی های لازم را در خود حفظ کنند و با حضور خود در هر

مسکن جمعی - بخصوص در شب یا در هنگام نماز جماعت - به هیچ وجه در نظام اسلامی قابل قبول نیست. جوانان این کشور - چه دانشجویان و چه غیر دانشجویان - فرزندان من هستند و هرگونه چیزی که برای این مجموعه ها مایه اضطراب و ناراحتی و اشتباه در فهم باشد، برای من بسیار سخت و سنگین است. هرکسی بوده، فرق نمی کند؛ چه در لباس نیروی انتظامی، چه در غیر آن. مسلما با کسانی که در نظام جمهوری اسلامی تخلف می کنند، باید برخورد شود؛ اما با کسی که تخلفی نکرده است؛ کسی که در خانه خود در حال استراحت است، آن هم در محیط جوان دانشجویی، کار بسیار خطا و ناروایی است اگر برخورد شود ... یا آن طوری که نقل کرده اند، بعضی با آوردن نام مقدس «یا حسین» و «یا زهرا» وارد اتاق دانشجوی بسیجی یا دانشجوی جانباز شوند و او را از خواب بپراندند، یا آن طور حوادثی را به وجود آورند؛ آیا این درست است؟! اینها قلب را می فشارد. این همه جوان مؤمن، عاشقان امام حسین، عاشقان فاطمه زهرا، در همه جای کشور، در خدمت اسلام، در خدمت کشور، در طول دوران دفاع مقدس، در هر خطری که این کشور را تهدید کند، سینه سپر می کنند و وارد می شوند؛ اما بعد کسانی با استفاده از این نامها حوادثی را به وجود آورند. برای من، حادثه خیلی تلخی بود. البته من تأکید کردم که اطراف این حادثه تحقیق شود...)) اما این پایان ماجرا نبود، عناصر معاند نظام جمهوری اسلامی حالا فرصتی پیدا کرده اند که تحت پوشش دفاع از دانشجو نیست های شوم خود را عملی کنند آنها با شایعه سازی و دروغ پراکنی سعی داشتند احساسات

عده ای از دانشجویان در اعتراض به توقیف روزنامه سلام در شب ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ اقدام به تجمع و راهپیمایی در اطراف کوی دانشگاه تهران می نمایند بررسی ها نشان داده است برگزاری این گونه تجمعات اعتراضی در همان سال و سال گذشته (۱۳۷۶) چندین مرتبه سابقه داشته است و هر دفعه دانشجویان بعد از انجام راهپیمایی به کوی دانشگاه باز می گشته اند اما این دفعه معدودی از دانشجویان به تجمع خود ادامه می دهند و این مسئله سبب بروز تنش میان دانشجویان و نیروی انتظامی می شود و به تدریج به تعداد دانشجویان معترض و نیروی امنیتی افزوده می شود از طرف دیگر چندین نفر موسوم به لباس شخصی، کاملا خودسرانه و بدون هماهنگی با نهاد های امنیتی در محل حضور می یابند تا با دانشجویانی که با پلیس درگیر شده اند مقابله کنند، افزایش شدت درگیری میان دانشجویان ماجراجو و طرف های مقابل و گروگانگیری دو تن از نیروی های پلیس، سبب می شود فرمانده پلیس حاضر در صحنه برای کنترل اوضاع دستور ورود نیروها را به کوی صادر کند، متأسفانه عملکرد نا صحیح برخی از نیروهای پلیس و لباس شخصی صحنه های دلخراشی را رقم می زند و منجر به مجروحیت و خسارت به اموال تعدادی قابل ملاحظه ای از دانشجویان می شود که بعضاً معترض هم نبودند. بدین ترتیب یکی از تلخ ترین چالش های سیاسی بعد از انقلاب رقم می خورد که رهبر انقلاب حوادث را ایگونه توصیف می فرمایند((... این حادثه تلخ، قلب مرا جریحه دار کرد؛ حادثه غیرقابل قبولی در جمهوری اسلامی بود. حمله به منزل و ماوا و

DAESH



در عصر ظهور ۳

در دو شماره قبل مطالبی در رابطه با کلیات تاثیر مسئله ظهور در جهت گیری انقلاب اسلامی و چرایی حضور اسرائیل در این منطقه گفته شد. از این شماره به بعد یکسری توضیحات کلی در رابطه با اتفاقاتی که در کشورهای منطقه افتاده است گفته خواهد شد و بعد از آن وارد سیر اصلی ظهور خواهیم شد. قطعاً یکی از مهم ترین اتفاقاتی که در سال های اخیر در منطقه خاورمیانه رخ داد و بازتاب زیادی در کل جهان داشت مسئله داعش در عراق و سوریه بود. داعش یا همان دولت اسلامی شام و عراق، هر کسی که اندکی از سیاست بداند و آن را با بصیرت همراه کند قطعاً به این نتیجه می رسد که در دنیای امروز و با این شرایط کنونی هیچ اتفاق و پدیده ای بدون وجود هدف خاص شکل نمی گیرد و این مسئله در مورد ایجاد داعش نیز صدق می کند. مسئله داعش و به ویژه حضور آن در دو کشور عراق و سوریه را می توان از جنبه های مختلف بررسی کرد و در واقع یک مسئله کاملاً چند بعدی است. یک مسئله با بعد امنیتی و سیاسی و مذهبی. هر چند برای هر کدام از این ابعاد حرف ها و توجیه های زیادی گفته شده است؛ که در جواب فقط می توان گفت آن کسی که خودش را به خواب زده، نمی توان از خواب بیدار کرد. حقیقت همیشه آشکار است ولی اگر کسی خودش نخواهد آن را ببیند تاریک تر از سیاهی شب برایش می شود.

در مسئله داعش اگر از بحث امنیت و مدافعان حرم، مدافعانی که از هستی زندگی خود گذشتند و اجر ایشان را یکسری از همان غافلان خود را به خواب زده با غسل سمی گفته هایشان چه قشنگ دادند بگذریم؛ مسئله اساسی تر دیگری باقی می ماند و آن اینکه چرا چنین گروهی باید در قالب یک گروه مذهبی که چه بسا قصد تشکیل حکومت دارند آن هم در منطقه شام و عراق و در کسوت اسلام ایجاد شود؟

یکی از مهم ترین حامیان این جریان اسرائیل بود. اسرائیلی که در شماره قبل نیز گفته شد که سودای تشکیل حکومتی در کل جهان با مرکزیت خودش را دارد. از آن طرف یکی از مهم ترین آموزه های دین اسلام وجود منجی و ظهور است. آنچه که در این جریان بسیار مورد توجه بود تشکیل یک حکومت اسلامی با جنگ و سر بریدن مردم بی گناه بود. دقیقاً چیزی که در روایات نسبت به ظهور وجود دارد تشکیل حکومت جهانی که مرکزیت آن کوفه است و با جنگ و درگیری همراه خواهد بود ولی نه جنگ با مردم عادی. دقیقاً نکته ای که داعش هدف قرار می داد مردم عادی و کشتن آن ها و به صلیب کشیدن آن ها بود. این به صلیب کشیدن و تخریب کلیسا ها خودش حاوی یک پیامی بود برای مردم مسیحی جهان که این حکومتی که مسلمین با ظهور امامشان می خواهند تشکیل دهند با مسیحیت در تضاد و مشکل است. در رابطه با

ضد مسیح بودن امام زمان کتاب ها و فیلم های فراوانی ساخته شده است ولی داعش کاملاً مستقیم و علنی این موضوع را هدف قرار داده بود. داعش کاملاً در تلاش بود تا هر آنچه که در اسلام به ویژه در مورد مسئله ظهور وجود دارد را وارونه نشان دهد. خواست همه مردم جهان برای ظهور یک مسئله بسیار مهم و ضروری است. بنابراین این خیلی مهم است که چه سیمایی از اسلام به مردم جهان معرفی می شود. اگر کسی اندکی مبانی اسلامی و اجرای عدالت در جهان برایش مهم باشد قطعاً نمی تواند در مقابل چنین جریانی ساکت بنشیند. مقاومتی که خود مردم عراق و سوریه در این سال ها از خود نشان دادند واقعاً ستودنی است. حتی لحظه ای یک فرد نمی تواند تصور کند که در عرض چند روز خانه اش ویران شود. شهرش ویران شود. خانواده اش آواره شود. واقعاً سخت است. یک فردی که واقعاً انسان باشد نمی تواند در مقابل هیچکدام از این مسائل ساکت بماند. شمشیرهای بسیاری در مورد همین مسائل تا کنون ذکر شده است ولی آنچه مهم است نگاه منطقی و با آگاهی و به دور از تعصب های بی جا و بی مورد به این مسائل است. واقعاً به راحتی نمی توان از کنار هیچکدام از اینها بدون تحقیق و مطالعه منطقی گذشت. واقعاً امید است که روزی همه ما به نگاه آزادانه و منطقی به همه مسائل برسیم.

ادامه دارد.....

حاشیه در متن

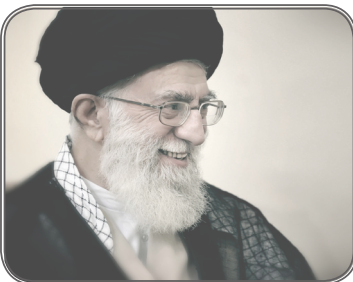
ها که از این کوچه های تنگ، راه خانه را پیش می گیرم و از پله های بی شمار کوچه مان که بالا می روم بتوانم با چندرغاز درآمد، در فرسوده و زنگ زده خانه مان را بزنم. من یک کودک شهرنشین هستم، کودکی که لبخندش سال هاست در میان دوده های نشسته بر صورتش محو شده است، از همان روزی که مجبور شد برای کمک به گذران زندگی، قید درس و تحصیل را بزند، از همان روزی که مجبور شد دیگر کودکی نکند و به جای بازی با همبازی هایش در آن کوچه های پر از زباله، به جان خیابان های شهر بیفتد برای کسب یک قرص نان! من کودکی شهرنشین هستم ولی از تمام شهرنشینی فقط نامش نصیب من شده است، ما یعنی من و هم محله ای هایم نقش سایه را برای پیکره این شهر بازی می کنیم و چه گلایه هایی که از این سایه بودن در دل نداریم، همین که دو قدم از شهر فاصله بگیریم، هاله ای پر از گرد و غبار را می بینیم که به دور شهر چنبره زده و ما محکومیم به زیستن در این فضای غبار آلود، گویی آینه زندگی ما را آه پوشانده است و هیچ کسی هم محض رضای خدا، برای زدودن این آینه از آلودگی ها، پا پیش نمی گذارد. ما ظاهراً شهرنشین هستیم ولی دریغ از یک بار تجربه درک طعم زندگی شهری. حتی مسئولین هم ما را فراموش کرده اند که به محله ما که جزئی از شهرشان است برسند، شاید هم دلیل این عدم رسیدگی این باشد که ما بو میدهم، آری محله ما بس که از پسماند های جمع شده از سطل زباله های سطح شهر پر شده است، بوی همان ها را به خود گرفته و ما در این فضای غیربهداشتی عمر می گذرانیم. محله حاشیه نشین ما، کودکی را می ماند که او را به علت ناتنی بودن از سایر افراد خانواده جدا کرده اند و حتی امکانات اولیه زندگی شهری را هم در اختیارش قرار نمی دهند. قشر ما هرچند که «درد» را هر روز زندگی می کند اما در آرزوی رسیدن روزهای خوب، دفتر زندگی را ورق خواهد زد. به امید روزی که حکایت این درد ها به سر آید.



در طرح سایه روشن این شهر سایه ایم
ما سایه ها پر از غم و آه و گلایه ایم

من یک کودک شهرنشین هستم،
شهر را مثل کف دستم می شناسم.

چه خاطره هایی که با تک تک تقاطع هایش ندارم، در این تقاطع گل فروشی کرده ام، در آن یکی دستمال فروخته ام و در دیگری برای تک تک ماشین ها اسپند دود کرده ام تا شب



آنچه در جامعه ی خود ما محسوس است، این است که ما هر چه و در هر جایی که پایبندی خودمان را به مبانی اسلامی و حدود اسلامی بیشتر نشان دادیم، خدای متعال کمکش را بیشتر شامل حال ما کرد و توانستیم بر مشکلات فائق بیاییم؛ آنجایی که غفلت کردیم، چوب غفلت خودمان را خوردیم. ۹۸/۴/۱۲

نشانی

تارنمای بسیج دانشجویی:

www.bs-tbztmed.ir

شناسه

ارتباطی فضای مجازی:

[@bs-ghotbna](https://www.bs-ghotbna)

کانال

در سروش و ایتا:

[@bs_tbztmed](https://www.bs-tbztmed)

پیشنهادهای و انتقادات خود را با ما در میان بگذارید